



جلد دوم: مرتبه خواص

در باب معرفت نفس

و مراتب قرب الی الله

مجتبی محمودی و انقی

سرشناسه : محمودی، مجتبی، ۱۳۵۸ -

عنوان و نام پدیدآور : تسبیح تام/ مولف مجتبی محمودی وانقی؛ ویراستار مرضیه معصومی.

مشخصات نشر : تهران: موسسه فرهنگی هنری سیب سرخ نیکان، -۱۳۹۹

مشخصات ظاهری : ۵ ج.

شابک : دوره ۷-۱-۰۰۶۴۹۳-۶۲۲-۹۷۸ :

ج. ۱: ۰۰۰-۰۰۶۴۹۳-۶۲۲-۹۷۸ : ج. ۲: ۰۰۲-۰۰۶۴۹۳-۶۲۲-۹۷۸

ج. ۳: ۰۰۰-۰۰۶۴۹۳-۶۲۲-۹۷۸ : ج. ۴: ۰۰۷-۰۰۶۴۹۳-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیا

مندرجات : ج. ۱. مرتبه عوام در باب معرفت نفس و مراتب قرب الی الله. - ج. ۲. مرتبه خواص در باب

معرفت نفس و مراتب قرب الی الله. - ج. ۳. مرتبه اولیاء در باب معرفت نفس و مراتب قرب الی الله. -

ج. ۴. مرتبه اصفیاء در باب معرفت نفس و مراتب قرب الی الله

موضوع : تسبیح خدا (اسلام)

موضوع : Glory of God -- Islam

موضوع : ستایش خدا -- جنبه های قرآنی

موضوع : Praise of God -- Quranic teaching

رده بندی کنگره : ۱۳۹۹ م ۳۵۳ / ۲۱۹/۹۶ BP

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۲

شماره کتابشناسی ملی : ۵۵۱۳۱۱۰

عنوان : تسبیح تام، جلد دوم: مرتبه خواص

مولف : مجتبی محمودی وانقی

ویراستار: مرضیه معصومی

ناشر: موسسه فرهنگی هنری سیب سرخ نیکان

طراح جلد: مرتضی بیگدلی

نوبت و تاریخ چاپ: اول/ ۱۳۹۹

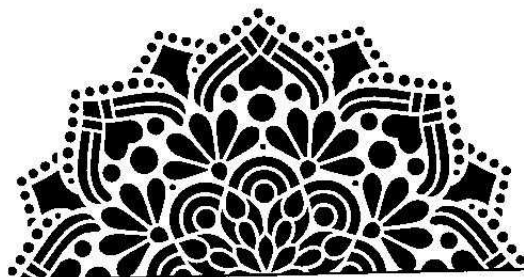
تیراژ: ۱۰۰ نسخه/قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان/قیمت دوره: ۲۵۰,۰۰۰ تومان

مرکز پخش: ۶۶۱۵۷۳۳۸ (۰۲۱) - ۰۹۱۲۸۹۸۷۱۰۶

فروشگاه اینترنتی: www.hypersian.ir

حق چاپ برای ناشر محفوظ و هرگونه استفاده از مطالب کتاب منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است.

سیب سرخ نیکان



پیش گفتار ۷

فصل پنجم: خلوص عام ۱۱

مقام السائحون ۱۷

پله بیست و هشتم: انقلاب ۱۹

پله بیست و نهم: یقطه ۲۲

مقام الطاهرون ۲۷

پله سی ام: توبه الخاص ۲۹

پله سی و یکم: استغفار الخاص ۳۲

پله سی و دوم: طهارت قلب ۳۹

مقام المخادون ۶۰

پله سی و سوم: خلوص عمل ۶۲

فصل ششم: معرفت عام ۷۷

مقام المتقون ۸۳

پله سی و چهارم: تقوای خاص ۹۸

پله سی و پنجم: ۱۱۱

پناه بردن به خدا از شر ۱۲۰

پله سی و ششم: شکر خوام ۱۲۴

مقام الصائمون ۲۹

پله سی و هفتم: شجاعت ۱۴۴

پله سی و هشتم: حلم ۱۵۵

پله سی و نهم: انصاف ۱۶۱

پله چهلم: بصیرت ۱۷۷

پله چهل و یکم: زهد سلامت ۱۸۳

فصل هفتم: عبودیت عام ۱۸۶

مقام الصادقون ۱۹۶

پله چهل و دوم: استیلاي قلب ۱۹۶

پله چهل و سوم: اشتیاق

۲۰۶	پله چهل و چهارم: سکنه
۲۱۰	مقام القانتون
۲۱۲	پله چهل و پنجم: وفاء
۲۱۹	پله چهل و ششم: مودت

۲۳۱	فصل هشتم: تسبیح عام
۲۳۵	مقام الموقنون

۲۴۶	پله چهل و هفتم: خشیت
۲۵۱	پله چهل و هشتم: مبارعت
۲۵۵	مقام التفویض

۲۵۶	پله چهل و نهم: تفویض
۲۶۱	پله پنجاهم: ثقة
۲۶۷	مقام الحامدون

۲۶۹	پله پنجاه و یکم: ذکر
۲۸۱	پله پنجاه و دوم: تسبیح صفات
۲۹۲	پله پنجاه و سوم: صلوة الخاص
۳۰۳	پله پنجاه و چهارم: طلب

پیش دفاتر

- فصل پرجم؛ خالص عام؛ محو آثار سوء اخلاق و تثبیت جوهر اخلاص عمل
- فصل ششم؛ معرفت عام؛ محو آثار دلبستگی‌ها و تثبیت صفت شجاعت
- فصل هفتم؛ عبودیت عام؛ محو آثار خودپسندی و تثبیت فعل مودت
- فصل هشتم؛ تسبیح عام؛ سربسته تفریط و تسبیح صفات

«بدان؛ سالکی که با قدم معرفت به سری خداوند می‌رود به غایت مقصود نمی‌رسد و در احدیت جمع، (که مرتبه استهلاک صفات و اسماء در اولین تجلی ذات حق است) مستهلک نمی‌شود و ربّ عظمی خود را مشاهده نمی‌کند، مگر آن که گام به گام و به تدریج، منازل راحل و مدارج و معارج (گوناگون) را از خلق به سوی حقّ مقید، سیر کند و اندک اندک قیود را برطرف کرده از عالمی به عالم دیگر و از منزلی به منزل بعد منتقل شود تا سرانجام به حقّ مطلق برسد؛ چنان که خداوند برای روشن ساختن طریقه و مسیر شیخ الانبیاء والمرسلین حضرت ابراهیم علیه وعلیه الصلوة والسلام در کتاب خود این گونه فرموده است: «فلما جنّ علیه اللیل رأی

کوکبا قال هذا ربّي؛ پس چون شب نمودار شد، ستاره‌ای درخشان دید و گفت این پروردگار من است... تا آنجا که فرمود: «وجهت وجهی للذی فطر السماوات والارض حنیفاً و ما انا من المشرکین؛ من با ایمان خالص رو به سوی خدایی آوردم که آفریننده آسمان‌ها و زمین است و من هرگز با عقیده جاهلانه مشرکان موافق نخواهم بود»؛ پس آن حضرت با تجلی در صورت ستاره زهره، اندک اندک از تاریکی‌های عالم طبیعت به سوی طلوع ربوبیت نفس، اوج گرفت و از آن زیر فشار رفت و به افول و غروب زهره قائل شد. پس از آن از این منزل به منزلگاه قایل که ماه قلب از افق وجودش طلوع کرده بود، منتقل شد و به ربوبیت ماه معنید گردید. ولی از این جایگاه نیز به (سوی) طلوع خورشید روح حرکت کرد. و غروب ماه قلب را دید و خداوندگاری را از آن نفی کرد. او در سومین مرتبه، بپای خورشید روح اثبات ربوبیت کرد، اما وقتی با درخشش نور حق و طلوع خورشید حقیقی، خورشید روح غروب کرد، ربوبیت را از او نفی کرد و به بند آمدن آنها روی آورد. پس از هر گونه اسم و رسم و تعین و علامتی رهایی یافت و رحل اقامت بر درگاه رب مطلق افکند». (شرح دعای سحر، امام خمینی، ص ۱۲)

توضیح آن که حق مطلق؛ حقی است که وجود آن در تمامی زمان‌ها تداوم داشته و با صرف نظر از تمامی شرایط و اوضاع و احوال در آن می‌تواند مورد ادعا و مطالبه قرار گیرد.

حق مطلق، دارای دو ویژگی بارز است؛ به هیچ وجه مقید، مشروط و یا محدود نمی‌گردد. همچنین، غیر قابل تعلیق است. یعنی اجرای آن در شرایط اضطراری عمومی، متوقف یا معلق نمی‌شود.

دل‌های آدمیان، آمیخته‌ای از علین بهشتی و سچین دوزخی است. دلی که

در آن علیین، استیلا و برتری یابد، به راه خیر و صلاح درمی آید و قلبی که سچین بر آن حاکم شود، از طریق درست خارج شده و آلوده فساد عالم طاغوت می گردد. قلبها بر تفکرات اثر می گذارند و تفکر انسانها بر اساس ماهیت قلوب آنها پایه ریزی می شود. لذا گاه می بینیم که دانشمندی متفکر به راه نادرست و باطل راغب می شود و تعجب همگان را برمی انگیزاند. این به سبب نلیه قلب سچینی بر تفکر اوست:

رسول اکرم ﷺ می فرماید: «خَيْرُ الْقُلُوبِ أَوْعَاها لِلْخَيْرِ وَ شَرُّ الْقُلُوبِ أَوْعَاها لِلْشَّرِّ، فَأَمَّا الْقَلْبُ الَّذِي يَعْبِي الْخَيْرَ مَمْلُوءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِنْ نَطَقَ نَطَقَ مَاجُورًا وَ إِنْ أَنْصَتَ أَنْصَتَ مَاجُورًا» بهترین قلبها، آن است که ظرفیت بیشتری برای خوبی دارد و بدترین قلبها، آن است که ظرفیت بیشتری برای بدی دارد، پس عالی ترین قلب، قلبی است که خوبی را در نبرد دارد و لبریز از خوبی است. اگر سخن بگوید، سخنش در خور پاداش است و اگر سکوت کند، سکوتش زواوار پاداش است. (جعفریات، ص ۱۶۸)

قلب انسان، محل تاخت و تاز نیروهای متضاد است، و هر نیرویی که حاکم بر دل شود، بر انسان حکومت خواهد کرد. حاکمیت کسی است که بتواند بر این نیروها غلبه کند و با ایجاد تعادل و به ثبات رفتن آنها، دلش را به خوی علیینی و نور ملکوتی سوق دهد:

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «أَعْجَبُ مَا فِي الْإِنْسَانِ قَلْبُهُ... إِنَّهُ مَوَارِدُ مِنَ الْحِكْمَةِ وَ أَضْدَادُ مِنَ خِلَافِهَا فَإِنْ سَنَحَ لَهُ الرَّجَاءُ أَذَلَّ لَهُ الطَّمَعُ وَ إِنْ رَجَحَ بِهِ الطَّمَعُ أَهْلَكَهُ الْحِرْصُ وَ إِنْ مَلَكَهَ الْيَأْسُ قَتَلَهُ السَّفْهُ... فَكُلُّ تَقْصِيرٍ بِهِ مُضِرٌّ وَ كُلُّ إِفْرَاطٍ بِهِ مُفْسِدٌ» شگفت ترین عضو انسان قلب اوست و قلب، مایه هایی از حکمت و ضد حکمت دارد. اگر آرزو به آن دست دهد، طمع خوارش می گرداند و اگر طمع در آن سر برکشد، حرص نابودش می کند و اگر ناامیدی بر آن مسلط شود، اندوه، او را می کشد... هر

کوتاهی برایش زیانبار است و هر زیاده‌روی برایش تباهی آفرین. (علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۰۹)

مرتبه خواص، مرتبه هدایت در عالم نور (نورانیت انفسی) و استیلای قلب علیانی بر فکر و عمل انسان است، و نیز مرتبه حمد و تسبیح افعال ربوبی خداوند تعالی و رفع آثار سوء عالم طاغوت است که جان و روح و اخلاق آدمی را تحت تاثیر قرار داده است تا در نهایت به قلب مُنیب دست یابد؛

«مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ» آن کس که از خداوند رحمان در نهان ترس را با قلب پرانابه در محضر او حاضر شود! (ق: ۲۳)